

پنجم حسد و دزد جان و

# برادران دای شاعرانه

(اخوانیات سابق!)

راشد انصاری

|                         |   |                                                     |
|-------------------------|---|-----------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | : | انصاری، راشد، ۱۳۵۰ -                                |
| عنوان و نام پدیدآور     | : | برادرانه‌های شاعرانه (اخوانیات سابق) / راشد انصاری. |
| مشخصات نشر              | : | قسم: انتشارات پر سرخ، ۱۴۰۳.                         |
| مشخصات ظاهری            | : | ۱۳۲ ص.                                              |
| شابک                    | : | 978-622-5272-29-3                                   |
| وضعیت فهرست نویسی       | : | فیبا                                                |
| موضوع                   | : | شعر طنزآمیز -- قرن ۱۴                               |
|                         |   | Humorous poetry -- 20th century                     |
|                         |   | شعر فارسی -- قرن ۱۴                                 |
|                         |   | Persian poetry -- 20th century                      |
|                         |   | طنز فارسی -- قرن ۱۴                                 |
|                         |   | Satire, Persian -- 20th century                     |
| رده بندی کنگره          | : | PIR۷۹۶                                              |
| رده بندی دیویی          | : | ۶۲/۷۱۱۸                                             |
| شماره کتابشناسی ملی     | : | ۹۷۵۰۳۹۲                                             |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | : | فیبا                                                |



ایران - جزیره قشم - گذر موزه ژئوپارک جهانی قشم - ک پستی: ۷۹۵۱۹۱۱۶۸۷

تلفن: ۰۷۶۳۵۲۲۸۲۱۷ - همراه: ۰۹۱۰۵۹۰

انتشارات پر سرخ

Email: entesharateparesorkh@gmail.com

@entesharate\_paresorkh Instagram:

□□□

**برادرانه‌های شاعرانه (اخوانیات سابق)!**

**راشد انصاری**

□□□

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۳ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۷۲-۲۹-۳

طرح جلد: سوسن بیات / صفحه‌آرا: اطلس دهقانی

چاپ و صحافی: سمن / قیمت ۱۶۰ هزار تومان

حق چاپ محفوظ است.

## فهرست مطالب

| عنوان                                                                                    | صفحه |
|------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| ..... مقدمه                                                                              | ۷    |
| ..... نامه‌ای منظوم از «عمران صلاحی» به «محمدعلی بهمنی»                                  | ۱۱   |
| ..... پاسخ «محمدعلی بهمنی» به ناله «عمران صلاحی»                                         | ۱۳   |
| ..... آشنای رفیع                                                                         | ۱۵   |
| ..... برای استاد                                                                         | ۱۸   |
| ..... از رهی معیری به خسرو شاهانی                                                        | ۲۰   |
| ..... پاسخ خسرو شاهانی به رهی                                                            | ۲۱   |
| ..... از ابراهیم صهبا به ابوتراب جلی                                                     | ۲۲   |
| ..... ناخلف ادبی                                                                         | ۲۲   |
| ..... پاسخ ابوتراب جلی                                                                   | ۲۳   |
| ..... «اخوانیه مشترک حضرت حافظ و رضا اسماعیلی به مناسبت سالروز تولد سرپناه: حبیب و مرغوب |      |
| ..... رضا رفیع»!                                                                         | ۲۴   |
| ..... دو اخوانیه‌ی تاریخی!                                                               | ۲۵   |
| ..... *اخوانیه‌ی منظوم عمران صلاحی برای «عباس خوش عمل کاشانی»                            | ۲۷   |
| ..... از ابوالحسن ورزی به حسامی محولاتی                                                  | ۲۹   |
| ..... از محمد حسن حسامی محولاتی به ابوالحسن ورزی                                         | ۳۲   |
| ..... از ابوالقاسم حالت به شاهانی                                                        | ۳۴   |

- ۳۶..... پاسخ خسرو شاهانی به حالت.
- ۳۷..... شوخی با سعید بیانکی شاعر و طنزپرداز.
- ۳۸..... قطعه‌ی علی موسوی گرمارودی با نام «تلك شَقِشْفَةُ هَذَرْتِ...»
- ۴۲..... از ابراهیم صهبا به محمدحسن خُسامی محولاتی
- ۴۳..... پاسخ خُسامی به استاد صهبا
- ۴۵..... از ابراهیم صهبا به خسرو شاهانی
- ۴۷..... پاسخ خسرو شاهانی
- ۴۸..... برای شب «حاراً»
- ۵۰..... مطایبه با دوست عزیزم «ابراهیم صهبا»
- ۵۱..... یادکرد
- ۵۶..... از ابوالحسن ورزی به ابراهیم صهبا
- ۵۷..... شوخی‌نامه رفیع
- ۵۸..... پاسخ سامی گزیری به رفیع
- ۵۹..... پاسخ رفیع به سامی گزیری
- ۶۰..... پاسخ سامی گزیری به رفیع
- ۶۱..... رفیع:
- ۶۲..... درخت تومند دانش
- ۶۵..... از ابوالقاسم حالت به ابوالحسن ورزی
- ۶۷..... از ابوالحسن ورزی به ابوالقاسم حالت
- ۶۸..... بهاءالدین خرمشاهی فرموده
- ۶۹..... برای ابراهیم صهبا
- ۷۰..... پاسخ صهبا به مشیری
- ۷۱..... شاعر جوان‌نما از ابوالحسن ورزی
- ۷۱..... عقده‌ی من از ابراهیم صهبا
- ۷۲..... برای رفیع دلیندا!
- ۷۳..... شعر بخ عمران صلاحی!

|     |                                                                                    |
|-----|------------------------------------------------------------------------------------|
| ۷۳  | رضا رفیع:                                                                          |
| ۷۳  | «شعر بخ!»                                                                          |
| ۷۵  | از حسین شاه زیدی به ابوالحسن ورزی                                                  |
| ۷۶  | از ابوالحسن ورزی به حسین شاه زیدی                                                  |
| ۷۷  | از ابوتراب جلی به ابوالحسن ورزی                                                    |
| ۷۷  | از ابوالحسن ورزی به ابوتراب جلی                                                    |
| ۷۸  | از استاد محیط طباطبایی به ابوالحسن ورزی مهرورزی در سخن «ورزی»                      |
| ۸۰  | از ابوالحسن ورزی به استاد محیط طباطبایی                                            |
| ۸۲  | تقیضه شوخی مختصری با دوستم جناب راشد انصاری                                        |
| ۸۲  | سروده‌ی مسأله محبی                                                                 |
| ۸۳  | پداهنه‌ای در پاسخ به حضرت مسأله محبی عزیز، شاعر، معلم و رئیس انجمن شعر و دریا      |
| ۸۳  | سروده‌ی راشد انصاری                                                                |
| ۸۵  | از رهی معیری به ابوالحسن ورزی                                                      |
| ۸۶  | از ابوالحسن ورزی به رهی معیری                                                      |
| ۸۷  | از ناصر احتشادی «جهانگرد» به چراغ موشی گنابادی                                     |
| ۸۹  | از چراغ موشی گنابادی به تفکری پرچانه                                               |
| ۹۱  | پاسخ تفکری پرچانه                                                                  |
| ۹۳  | نامه‌ی دکتر حبیبی معاون اول رئیس جمهور به گل آقا در پاسخ به دعوت برای مراسم افطاری |
| ۹۴  | پاسخ گل آقا                                                                        |
| ۹۶  | شعر «ع. بلغم سخاوش»                                                                |
| ۹۷  | و اما جواب گل آقا:                                                                 |
| ۹۹  | از محمد سلمانی به محمد علی بهمنی                                                   |
| ۱۰۰ | از حسن خواجه نوری (چراغ موشی گنابادی) به حسامی محولاتی                             |
| ۱۰۱ | پاسخ حسامی محولاتی به آقای حسن خواجه نوری (چراغ موشی گنابادی)                      |
| ۱۰۳ | قصیده‌ی مدحیه                                                                      |
| ۱۰۷ | صهباتنامه از: ابوالحسن ورزی                                                        |

- پاسخ صهبا..... ۱۰۸
- تقدیمی ..... ۱۱۳
- پیریشی از سوی همسر خالو..... ۱۱۱
- سروده‌ی راشد انصاری..... ۱۱۱
- در باره‌ی گلستانی..... ۱۱۳
- سروده‌ی: مهندس محمدعلی گویا..... ۱۱۳
- برای ابوتاب جلی..... ۱۱۴
- سروده‌ی: شهرام (رضاقلی) سالور..... ۱۱۴
- پاسخ به شعر طنز راشد انصاری (خالوراشد) که فرموده بود: ..... ۱۱۶
- از ناصر فیض به شهرام شکیبا..... ۱۱۸
- پاسخ شهرام شکیبا..... ۱۱۹
- از: محمود حبیبی کسی به: عباس قاسمی..... ۱۲۰
- برای رضا رفیع..... ۱۲۲
- سروده‌ی: مجید رحمانی صانع..... ۱۲۲
- برای رضا رفیع پند و اندرز دوستانه..... ۱۲۴
- بداهه..... ۱۲۷
- سروده‌ی: راشد انصاری..... ۱۲۷
- قندپهلوی رفیع!..... ۱۲۹
- عصر علامه علومی..... ۱۳۱

## مقدمه

ای برادر و ای خواهری که کتاب را می‌خوانی. جانم برایت بگویم؛ «برادرانه‌ها» نام کتاب قبلی من است. (قبلی را که عرض کردیم، منظور از این دست شعر است!).

در آن جا عرض شد. سبب اولین بار در طول تاریخ باشد که به جای «اخوانیه» یا «اخوانیت» این عنوان استفاده می‌شود. شعرهای آن کتاب را دیگر شاعران برای صاحب این نام گفته اند.

خدا بگویم چکارش کند؟ آن عنوان را برادر طنزپرداز خوش ذوقم دکتر عبدالرضا قیصری پیشنهاد داده بود و آن نان برست را توی دامن کتاب من گذاشت! باری ای برادر و ای خواهر کتابخوان!

«برادرانه‌های شاعرانه» محدود به صاحب این قلم نیست. در اخوانیه‌ها بیشتر دو دوست شاعر به صورت شعر و نظم! با یکدیگر شوخی می‌کنند، احوال یکدیگر را می‌پرسند، گاهی در خلال این شعرها، گله می‌کنند، به نایب و مشکلات اجتماعی و سیاسی و... نقد دولت‌ها و حاکمیت می‌پردازند.

خب، شاید یک خواهر یا برادر پیر شده‌ای بپرسد: اگر آن دو شاعری که در بالا عرض شد به عنوان مثال بانو بودند؛ (یا همان شاعره‌ی سابق) تکلیف چیست؟ آیا می‌توان نام خواهرانه‌ها را بر این نوع آثار گذاشت یا «آختانیه» بهتر است؟

راستش من نظری ندارم و اختیار با خودتان است!

اما گاهی اوقات این شعرها یک طرفه است و لزومی ندارد که شاعر دومی که

مورد خطاب قرار گرفته است، حتماً پاسخ بدهد. کاری که خودمان در مجموعه‌ی نخست «برادرانه‌ها» هم کرده ایم و شده است. در بیشتر مواقع پاسخ، در همان قالب و وزن و قافیه‌ای که شاعر اولی گفته است، رخ می‌نماید. گاهی اوقات هم در وزن و قافیه‌ای متفاوت! برادر خودم که باشی یک جایی خواندم: «اخوانیه بین اکثر شاعرانی که به سبک کهن شعر می‌سرایند، بسیار معمول است. شعرهایی که ادیب الممالک فراهانی و ادیب المصلح برای ملک الشعراء بهار گفته اند و پاسخ‌های بهار برای آن دو شاعر، نمونه‌های خوب «اخوانیات» پس از مشروطه است. اخوانیه زنده یاد آوان ثالث برای استاد موسوی گرمارودی نیز از نمونه‌های بسیار درخشان این نوع شعر یا سخن منظوم است که این دومی با کمال افتخار در این دفتر تقدیم شده است! و البته در جای دیگری نیز خوانده که این واژه یعنی اخوانیه اولین بار در کتاب «ذکر یتیمه الدهر» که کتابی است به زبان عربی، در ذکر ابوالفتح بُستی شاعری در سده‌ی چهارم که زادگاه او رستم به است سیستان می‌دانند، آمده است و در متن از اخوانیات او یاد شده است.» بالا راست و ... به عهده‌ی راوی! تا یادم نرفته عرض کنم که این کار یعنی اخوانیه در بین شاعران طنزپرداز بیش از سایرین مرسوم است. در این جا یکی از قدیمی‌ترین اخوانیه‌های که در دفتر گذا یادداشت کرده بودم، تقدیم می‌کنم:

از میرداماد به شیخ بهایی:

|                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| ای پیر ره حقیقت ای کان سخا   | در مشکل این حرف جوابی فرما  |
| گویند خدا بود و دگر هیچ نبود | چون هیچ نبود پس کجا بود خدا |

پاسخ شیخ بهایی:

ای صاحب این مسئله بشنو از ما      تحقیق بدان که لامکان است خدا  
خواهی که تو را کشف شود این معنا      جان در تن تو بگو کجا دارد جا.

پس بدان و آگاه باش ای برادر و ای خواهر فرهیخته که بنده‌ی حقیر  
سراپا تقصیر که کار و زندگی و عشق و تفریح و.....ام شده است ادبیات و آن  
هم از نوع طنزش! از سال‌ها پیش اقدام به گردآوری اخوانیات شاعران معاصر  
کرده است که در کتاب قبلی یعنی همان «برادرانه‌ها» قول داده بودم اگر  
حال و حشر همان بود، به زودی این کتاب را هم تقدیم خواهم کرد. که  
بالاخره تقدیم شد. پس این شما و این هم همان....اووف، خسته شدم از  
توضیح دادن خودت عفواً ببین!

با احترام، راشد انصاری (خالوراشد) تابستان ۱۴۰۳